

تاریخهای آن زمان چنان خوب ساخته شده که در شمار شاهکارهای این هنر شاعران است؛ مثلاً شاه اسمعیل ثانی به سال ۹۸۴ به جای پدرش شاه تهماسب به تخت نشست و سال بعد درگذشت، میرحیدر معمای این قطعه را سرود:

شهنشاه جسم قدر گیتی پناه	که می خورد گردون به ذاتش قسم
پی تاجداری روی زمین	برافروخت در دهر سالی علم
دو تاریخ زبنده می خواست فکر	که بر لوح عالم نگارد قلم
یکی بهر جاهش در اقلیم دهر	یکی بهر عزمش به ملک عدم
«شهنشاه روی زمین» گشت ثبت	«شهنشاه زیرزمین» شد رقم

گاه شاعرانی به تفننهای خاصی دست زده اند؛ مثلاً وحشی درباره منظومه «ناظر و منظور» خود که به سال ۹۶۶ تمام کرد مصراعی یافت که چهار بار می توان از آن همان یک تاریخ را استخراج کرد. گاه مرسوم بود که شاعری قبل از فوت، تاریخ مرگ خود را به صورت شعر پیش بینی می کرد؛ اما چون فوت آنها در سال مذکور اتفاق نمی افتاد، چنین تاریخهایی از اصل و صحت خود می افتاد.

گونه ای از تفننها و سرگرمیهای ادبی که همزمان با ماده تاریخ سازی و با شدت بیشتری رواج پیدا کرد، معماگویی و معماسرایی است. قبل از قرن هشتم در قاصد یا قطعاتی موضوعی به عنوان معما یا لغز یا چیستان مطرح می شد، اما از اوایل این قرن تألیفات مستقلی در فن معما پدید آمد؛ منوچهر تاجر ملقب به بدیع تبریزی کتابی دارد به نام «الاحیاء فی حل المعما». بعدها شرف الدین علی یزدی «حلل مطرز در فن معما و لغز» را نوشت و در قرن نهم جامی سه رساله در شرح ماهیت معما و لغز دارد.

عنوان مقاله: ترکیب و اشتقاق دو راه اصلی واژه سازی

نویسنده: احمد سمیعی (گیلانی)

مأخذ: نشر دانش، سن هفدهم، ش سوم، (پاییز ۱۳۷۹)، ص ۱۳ تا ۱۶

انگیزه های واژه سازی متعدد است؛ از جمله: بیان مفاهیم تازه و آسان کردن پیام

رسانی؛ بیان حالات و عواطف؛ زیبایی آفرینی و آشنایی زدایی و دغدغه حفظ هویت فرهنگی در برابر هجوم واژه‌های بیگانه.

برای واژه سازی راه‌های متعددی وجود دارد: ترکیب اعم از صرفی و گروهی؛ اشتقاق باوندها و وندواره‌ها؛ دورگه سازی (که نوعی از ترکیب و اشتقاق است)؛ وام‌گیری از زبانهای بیگانه با تصرف زبانی؛ وام‌گیری از زبانهای مرده هم خانواده؛ وام‌گیری از گویشها و برساختن واژه بی توجه به اصالت و ریشه و تبار عناصر. از میان این راه‌ها اشتقاق و ترکیب از همه طبیعی‌تر و عام‌تر است.

در انتخاب راه واژه سازی عوامل متعددی دخیل است، از جمله اقتضای خود زبان؛ مثلاً در زبان فرانسه بیشتر از راه اشتقاق و در زبانهای انگلیسی و فارسی، واژه سازی طبیعی و زنده از راه ترکیب، و واژه سازی عالمانه و شاعرانه از راه اشتقاق صورت می‌پذیرد. عامل دیگر اقتضای سبک است و عامل دیگر اقتضای آوایی است: امکانات هم‌نشینی واجها و الگوهای هجایی در هر زبان محدودیت‌هایی پدید می‌آورد که واژه سازی را در چارچوب معینی قرار می‌دهد و همین باعث می‌شود که تکواژهای زبان حتی تکواژهای قاموسی محدود باشند؛ به تعبیر دیگر واژگان بنیادی زبان محدود است.

اصولاً برای تسهیل اخذ مفاهیم، زبان از ترکیب استفاده می‌کند. مراد ما از «ترکیب»، صرفی است ولی خط فاصل روشنی بین ترکیب صرفی و نحوی نمی‌توان کشید؛ چون گاهی ترکیب نحوی با تغییراتی زبر زنجیری (تکیه، آهنگ، نواخت) به سطح صرفی فرود می‌آید؛ مثلاً «بساز و بفروش» به عنوان واژه مرکب با «بساز و بفروش» به عنوان دو جمله همپایه فقط در جای تکیه با هم فرق دارند. بین واژه بسیط و ترکیب نیز مرز قاطعی وجود ندارد. معمولاً بسیط را واژه‌ای می‌دانند که به هجاها تجزیه پذیر باشد نه به تکواژها و ترکیبی به واژه‌ای اطلاق می‌شود که به دو یا چند تکواژ تجزیه پذیر باشد؛ اما واژه‌هایی داریم که زمانی در شَم اهل زبان به تکواژهایی تجزیه می‌شد و اکنون نمی‌شود.

هر یک از انواع ترکیب مزایایی دارد و جنبه‌های نامساعدی. در واژه‌های مشتق گاهی شفاف نبودن پسوند (بای مصدری، بای نسبی، بای نکره)، تعدد معانی آن با

عوض شدن هجای تکیه (بر یای نکره، یای مصدری، یای شناسه فعل، یای ضمیر شخصی متصل). عقیم یا مهجور بودن و برای اهل زبان تجزیه‌ناپذیر شدن آن از خصوصیات منفی به شمار می‌رود. در عوض اشتقاق پذیری، کوتاهی، جواب‌گویی به نیازهای علمی از مزایای آن است.

در کلمات مرکب نیز خصوصیات منفی می‌توان تشخیص داد؛ از جمله: زیرساختهای متعدد برای یک الگوی روساختی: آب پز / آس پز: (اسم + بن مضارع) که در زیر ساخت متفاوت اند (با آب پخته / آس پزنده).

گاهی فعل مرکب با جمع متناظر خود تفاوتی معنایی پیدا می‌کند؛ مثلاً طلبیدن و طلب کردن در همه بافتها جانشین یکدیگر نمی‌شوند؛ مثلاً کسی را می‌توان طلبید ولی از کسی نمی‌توان طلبید بلکه از کسی می‌توان طلب کرد.

اقتباس الگوی ترکیب عربی نیز نظرگیر است: مفسد فی الارض، اشرف السادات، دارالشفاء، واجب الحج، مع الوصف، حق الزحمه، دارالسنون، بلانسبت و... همه این ترکیبات در شم اهل زبان تجزیه‌پذیر به عناصر ترکیبی نیستند. سابقه‌واژه سازی ترکیبی به شیوه دو رگه سازی طولانی است: داوطلب، بدعاقبت، خوش اخلاق (دورگه‌های عربی - فارسی)؛ فیلم ساز، خوش پز، دکور ساز (دو رگه با عناصر فرنگی).

راه دیگر واژه سازی تصرف در واژه‌های قرضی با تغییرات آوایی و الگو هجایی و غیره است: فراغت به جای فراغ، موزه، مبلمان و...

وام‌گیری از زبان مرده هم خانواده در واژه سازی تحت تأثیر گرایشهای شوونیستی (گرایش فرهنگستان دوم) با حسن قبول مواجه نشده است.

وام‌گیری از گویشها در حوزه نامهای گیاهان، جانوران و واژه‌های مربوط به ابزارها و مشاغل محلی موجب غنی شدن زبان می‌گردد؛ مثلاً نمی‌توان از نام انواع ماهیهای جنوب و شمال در زبان فارسی استفاده نکرد.

طبقه‌ای که در جایگاه پیشین ۳ قرار می‌گیرد مجموعه بسته است که شامل صفات اشاره (این و آن، همین و همان، چنین و چنان، صفات تعجبی (چه)، صفات پرسشی (چه، چگونه، چه نوع، کدام)، صفات مبهم (هر- هیچ- فلان- برخی- بعضی- خیلی) و یک نکره می‌شود.

۳-۱-۲- وابسته‌های پیشین ۲ که شامل صفات عالی، اعداد ترتیبی گروه دوم با افزودن -ین، مثل هفتمین - اعداد اصلی و چند می‌شود.

۳-۱-۳- وابسته‌های پیشین ۱:

آن دسته از وابسته‌های پیشین اسم که بلافاصله قبل از هسته قرار می‌گیرد (شاخصها) شامل عناصری از نوع اسم و صفت است؛ مانند لقبها، عنوانها و وابسته‌هایی که نه با اسم معرفه به کار می‌رود و نه خود معرفه ساز است و امکان نشستن آنها به جای هسته محذوف بسیار نادر است مانند سفید رود - کدام سفید؟

«وابسته‌های پسین»

۳-۲-۱- وابسته‌های پسین ۱، اولین وابسته پسین اسم، اضافه توضیحی است که از مقوله اسم است.

۳-۲-۲- وابسته پسین ۲

افراد طبقه‌ای که در این جایگاه قرار می‌گیرند معمولاً عناصری هستند که به آنها صفت گفته می‌شود. اعداد ترتیبی (عدد اصلی +ا) نیز به این طبقه تعلق دارد. هر گاه این اعداد با صفات دیگر بیاید، اعداد ترتیبی نزدیکتر به هسته قرار می‌گیرد (نفر دوم ایستاده)

هسته پسین ۱ پسین ۲

۳-۲-۳- وابسته‌های پسین ۳:

طبقه‌ای که در این جایگاه قرار می‌گیرد به سه زیر طبقه تقسیم می‌شود:

- | | |
|-----------------------------|--------------------|
| ۱- زیر طبقه اسم (گروه اسمی) | ۲- زیر طبقه ضمائر |
| (لباس سیاه علی) | (میز فلزی من) |
| هسته پ ۲ پ ۳ | هسته پسین ۱ پسین ۳ |

۳- زیرطبقه یک عنصری یای نکره
(لباسی خوش رنگ)

۳-۲-۴- وابسته پسین ۴:

متمم اسم، کلمه یا گروه کلماتی است که معمولاً به کمک یکی از حروف اضافه یا نشانه اضافه به اسم وابسته می شود:

(انتقاد، از بدیها). متمم اسم دوگونه است: اجباری و اختیاری.

هسته پسین ۴ (دیگر مردم) و (استاد در نقاشی)

هسته پسین ۴ هسته پسین ۴

۳-۲-۵- وابسته پسین ۵

یکی دیگر از وابسته های پسین اسم، بدل است، مانند:

دختر کوچکم، بیچاره، امروز بیمار شد.

بدل

۳-۲-۶- وابسته ۶

طبقه ای که در این جایگاه قرار می گیرد از نوع بند ربطی توضیحی است.

کاسه ای که شکست دیگر درست نمی شود.

عنوان مقاله: چگونگی ضبط عددهای ترتیبی دوم و سوم در تاریخ زبان فارسی

نویسنده: نجیب مایل هروی

مأخذ: فصلنامه آینه میراث، س سوم، ش ۱ [پیاپی ۹] (تابستان ۷۹)، ص

۱۸ تا ۲۱

این مقاله به چگونگی نگارش عددهای ترتیبی دوم و سوم می پردازد و نیز نحوه تلفظ واژه های مذکور را، که در قلمرو زبان فارسی، متفاوت، و این تفاوت بنا بر عاداتهای زبانی پیشین زبان فارسی است، بیان می کند.

صرف نظر از صورتهای گونه ای و تلفظهای محلی واژه های مذکور، آنچه مسلم می نماید، این است که در تاریخ زبان فارسی براساس اسناد مکتوب موجود آن

زبان، فارسی زبانان دو عادت واجی را در تلفظ واژه‌های مزبور تجربه کرده‌اند: یکی تلفظ مخفف آن واژه‌ها به صورتهای دوم [do-om] و سوم [se-om] و دیگری تلفظ مشدد آنها به گونه‌های دوم [do-vv-om] و سوم [se-vv-om] براساس عادات و تجربه‌های گفتاری، که مورد تأکید یافته‌های زیانشناسی نیز هست مصححان اگر که به تصحیح متن مبادرت می‌کنند - یا محققان - که به مناسبتی، به نقل پاره یا پاره‌هایی از متون می‌پردازند - می‌باید توجه داشته باشند که به هنگام ضبط عددهای ترتیبی «دوم» و «سوم» به صورت مخفف آنها - یعنی [do-om] و [se-om] اهتمام کنند.

نیز بر اساس همین اصل، فارسی زبانان و فارسیدانان ایران که در قلمرو گونه معیار فارسی تهران قرار دارند و واژه‌های «دوم» و «سوم» را به شکلهای [do-vv-om]، [se-vv-om] تلفظ می‌کنند، می‌باید ضبط مشدد عددهای ترتیبی مذکور را در نگارش نیز رعایت کنند و ضبط مخفف آنها را سفارش نکنند.

عنوان مقاله : طرح کدبندی ابزارهای انسجام در زبان فارسی

نویسنده : زهره بهجو

مآخذ : فصلنامه فرهنگ، ش ۲۵-۲۶، (بهار و تابستان ۱۳۷۷)، ص

۱۸۹ تا ۲۱۲

شناخت عوامل انسجام در زبان فارسی هدفی است برای دست یافتن به تبیین روشن و دقیقی از زبان فارسی معیار امروز و گونه‌های آن. در این مقاله، ابتدا توضیح کوتاهی - براساس نگرش هلیدی و حسن در کتاب انسجام در انگلیسی (۱۹۷۶) - درباره مفهومیهای انسجام و رابطه‌های انسجامی، پیش‌انگاری و انواع آن، وصله‌های انسجامی و ابزارهای زبانی آن ارائه شده، آنگاه یکی از ابزارهای انسجام، یعنی ارجاع و گونه‌های آن، به طور کامل معرفی گردیده است؛ سپس به روش و مراحل تجزیه و تحلیل متن اشاره و در پایان، ابزارهای ارجاع به شکلی کدبندی شده برای بهره‌گیری عملی در تحلیلهای کلامی عرضه شده است.